



بررسی تحولات نابرابری و فقر در تحصیل کودکان کشور

مجری
سعید لاریجانی
همکاران
نسرین قبادی

تابستان ۱۴۰۰

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

کد شناسه: RP-0005

عنوان: بررسی تحولات نابرابری و فقر در تحصیل کودکان کشور

مجری: سعید لاریجانی

همکاران: نسرين قبادی

تاریخ انتشار: تابستان ۱۴۰۰

نوبت انتشار: اول

طراح جلد: ساناز مهندسی

صفحه آرا: نجمه ناظریان

- ❖ حق مالکیت معنوی این طرح پژوهشی متعلق به پژوهشکده‌ی آمار است و نقل مطالب فقط با ذکر مأخذ مجاز است.
- ❖ عکس‌های کودکان درج شده روی جلد این طرح پژوهشی برگرفته از بایگانی یونیسف ایران است.



پژوهشکده‌ی آمار



یونیسف

برای همه کودکان



مرکز آمار ایران

تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان باباطاهر، خیابان سرتیپ فکوری،

شماره‌ی ۱۴۵

۰۲۱ ۸۸۶۳۰۴۴۰ - ۳

www.srtc.ac.ir

پیش‌گفتار

نابرابری یکی از مهمترین مسائل توسعه است که بر رفاه عمومی، ثبات اجتماعی، رشد اقتصادی آثار منفی و بازدارنده دارد. نابرابری می‌تواند بین افراد (نابرابری عمودی)، گروه‌ها یا جوامع مختلف (نابرابری افقی) مصداق داشته باشد. نابرابری در ابعاد مختلفی مانند نابرابری نتایج از جمله درآمد، دارایی‌ها، قابلیت‌ها، شادی و یا نابرابری فرصت‌ها تعریف می‌شود. لیکن در چند دهه اخیر، بحث نابرابری نتایج به سمت رویکرد نابرابری فرصت‌ها تغییر کرده است. این رویکرد تمرکز خود را معطوف به مسائل اجتماعی و شرایط اقتصادی نموده است که بستر رشد و نمو افراد و نقطه شروع رقابت آنها است.

به اعتقاد آمارتیا سن (۲۰۰۹)، مزیت کلی افراد را باید براساس مجموعه عواملی از جمله ویژگی‌های فردی، اجتماعی و شرایط اقتصادی که بر فرصت‌های واقعی آنها تأثیرگذار است؛ ارزیابی کرد. همچنین جان رومر (۱۹۹۸) بیان می‌کند موفقیت در زندگی نباید به شرایط تولد فرد بستگی داشته باشد. بلکه باید براساس انتخاب‌ها، تلاش و مهارت‌های شخصی فرد شکل بگیرد. غالباً ویژگی‌هایی مانند جنسیت، نژاد یا طبقه اجتماعی که خارج از کنترل فرد است، منتج به شکل‌گیری نابرابری‌هایی می‌شود که قابل پذیرش نیست.

یکی از کانال‌های کلیدی برای دسترسی به فرصت‌های برابر، دسترسی به آموزش است. حق آموزش مخصوصاً آموزش پایه از حقوق اساسی انسان‌هاست که در کنوانسیون حقوق بشر و در قانون اساسی کشورها بر آن تأکید شده است. آموزش پیشرفت کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، و جایگاه اجتماعی و فرصت‌های شغلی آنها را تحت الشعاع قرار می‌دهد. تحصیل عامل مهمی در پیش‌بینی عایدی فرد است و بر وضعیت سلامتی و مشارکت در فرایندهای سیاسی ارتباط دارد؛ بنابراین نابرابری در تحصیل می‌تواند به ایجاد شکاف‌های نامطلوب در جنبه‌های مذکور منجر شود. از این رو، بررسی موضوع آموزش کودکان و دسترسی یکسان طیف‌های مختلف به آن، امری ضروری و الزام آور است. در این مطالعه، برابری آموزش ابتدایی از چند منظر مورد بررسی قرار گرفته است. ابتدا، دسترسی به آموزش بین جوامع شهری و روستایی براساس شاخص‌های مختلف بررسی شده است. جنبه دیگر، برابری شرایط آموزش منطقه‌ای است که در این مطالعه بر مبنای شاخص‌های آموزش استانی مقایسه شده است. موضوع حائز اهمیت و کلیدی دیگر، برابری جنسیتی در آموزش ابتدایی است. لازم به ذکر است علاوه بر شاخص‌های

متداول برای مقایسه دسترسی به آموزش، از شاخص تایل به عنوان معیار تخصصی اندازه‌گیری نابرابری استفاده شد. نتیجه مطالعه مبتنی بر عدم وجود تبعیض فاحش بین طیف‌های مذکور برای دسترسی به آموزش ابتدایی و برقرار بودن شرایط برابری است. لیکن نکته حایز اهمیتی که لازم است مورد توجه سیاست‌گذاران و تحلیل‌گران قرار گیرد، بررسی برابری در مقاطع تحصیلی بالاتر شامل راهنمایی و دبیرستان است که پیش‌بینی می‌شود در این سطوح، به نابرابری منتج شود؛ چرا که از نظر مقایسه جوامع شهری و روستایی، بسیاری از روستاها فاقد مدارس راهنمایی و دبیرستان می‌باشند که این امر دسترسی کودکان را به سطوح بالاتر آموزشی به مشکل مواجه می‌کند. همچنین به لحاظ جنسیتی نیز با توجه به جنبه‌های فرهنگی و محدودیت‌های اجتماعی و نیز دشواری دسترسی دختران به مدارس راهنمایی و دبیرستان در نقاط دوردست مخصوصاً در جوامع روستایی، انتظار می‌رود نابرابری افزایش یابد.

در اینجا، از دفتر نمایندگی یونیسف در ایران و نیز پژوهشکده آمار به لحاظ الویت دادن و انتخاب موضوعات استراتژیک که نقش کلیدی و تعیین‌کننده در فرآیند توسعه کشور دارند، تقدیر و تشکر می‌نمایم. همچنین لازم می‌دانم از سرکار خانم دکتر نسرین قبادی که نقش کلیدی در پیشبرد اهداف و تحلیل پژوهش داشته‌اند، قدردانی نمایم.

فهرست مطالب

۱	خلاصه طرح
۱۱	Research Summary
۲۱	ادبیات موضوع
۲۱	۱-۱- مقدمه
۲۲	۲-۱- جایگاه آموزش و پرورش در نظام اجتماعی
۲۳	۱-۲-۱- حق آموزش
۲۴	۲-۲-۱- آزادی آموزش
۲۵	۳-۱- آموزش و پرورش در عرصه بین‌المللی
۲۹	۴-۱- آموزش و پرورش در عرصه ملی
۳۰	۵-۱- نقش تحصیل در سرمایه انسانی
۳۱	۱-۵-۱- اهمیت آموزش کودکان
۳۳	۲-۵-۱- اهمیت آموزش دختران
۳۴	۶-۱- تبیین مفهوم عدالت و برابری
۳۷	۱-۶-۱- برابری آموزشی
۴۰	۲-۶-۱- تفاوت برابری تحصیلی با عدالت تحصیلی
۴۲	۳-۶-۱- فقر تحصیلی
۴۵	۴-۶-۱- مقایسه فقر تحصیلی و نابرابری تحصیلی
۴۸	۷-۱- برابری جنسیتی در تحصیل و راهکارهای تحقق آن
۵۳	روش‌شناسی پژوهش
۵۶	۱-۲- تجربه کشورها
۵۶	۲-۱-۱-۲- تحصیل دختران در قبایل هند
۵۶	۲-۱-۲- آزادی آموزش در آفریقای جنوبی
۵۶	۳-۱-۲- تبعیض آموزشی در ایالات متحده آمریکا
۵۷	۴-۱-۲- تأمین فرصت‌های تحصیلی برای دختران در سودان
۵۷	۵-۱-۲- متحول کردن مدیریت کلاس در نیکاراگوئه

۵۸	۲-۱-۶- تجربه بنگلادش؛ امن تر کردن مدارس.....
۵۸	۲-۱-۷- برنامه توسعه اوان کودکی تانزانیا، نگر و نگر و.....
۵۹	۲-۱-۸- نقش مربیان در مالی و نیجر.....
۵۹	۲-۱-۹- اراده سیاسی بنگلادش برای برابری جنسیتی در تحصیل.....
۵۹	۲-۱-۱۰- شکاف بین سیاست و عمل در مالای.....
۶۰	۲-۲- آموزش و پرورش رایگان در قانون اساسی برخی کشورها.....
۶۳	تحلیل آماری وضعیت آموزش ابتدایی کشور
۶۳	۳-۱- مقدمه.....
۶۵	۳-۲- ساختار سنی جمعیت.....
۶۷	۳-۳- نسبت جنسی.....
۶۸	۳-۴- روند مهاجرت.....
۶۹	۳-۵- وضعیت باسوادی کشور.....
۷۳	۳-۶- بررسی شاخص‌های آموزشی مقطع ابتدایی.....
۷۳	۳-۶-۱- نسبت ثبت نام.....
۷۴	۳-۶-۲- نرخ حضور.....
۷۵	۳-۶-۳- نسبت دانش آموز به معلم.....
۷۸	۳-۶-۴- نرخ بازماندگی از تحصیل کودکان در مقطع ابتدایی.....
۸۱	۳-۷- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
۸۳	بررسی نابرابری توزیع آموزشی ابتدایی کشور
۸۳	۴-۱- مقدمه.....
۸۴	۴-۲- مقایسه نابرابری آموزش ابتدایی در جوامع شهری و روستایی.....
۸۵	۴-۳- مقایسه نابرابری آموزش ابتدایی بین استانی.....
۸۹	۴-۴- مقایسه نابرابری آموزش ابتدایی بین دختران و پسران (نابرابری جنسیتی).....
۹۲	۴-۵- محاسبه شاخص نابرابری آموزش ابتدایی دختران و پسران.....
۹۲	۴-۵-۱- شاخص تایل.....
۹۴	۴-۵-۲- محاسبه شاخص نابرابری آموزش جنسیتی و تحلیل آن.....
۹۵	۴-۶- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
۹۹	مرجع‌ها

فهرست جدول‌ها

- جدول ۱-۱- مقایسه نابرابری و فقر تحصیلی- پایه های نظری و کاربردها..... ۴۶
- جدول ۲-۱- انواع مختلف مداخلات در جهت برابری جنسیتی در تحصیل ۵۰
- جدول ۱-۳- نرخ باسوادی کشور برحسب جنس و گروه‌های سنی..... ۶۹
- جدول ۲-۳- میزان باسوادی گروه سنی ۶-۹ ساله شهری و روستایی..... ۷۱
- جدول ۳-۳- میزان باسوادی گروه سنی ۱۰-۱۴ ساله شهری و روستایی ۷۱
- جدول ۴-۳- برابری جنسیتی تعداد ثبت‌نام‌ها در مقطع ابتدایی و راهنمایی..... ۷۴
- جدول ۵-۳- مقایسه نرخ حضور دانش‌آموزان مقطع ابتدایی..... ۷۴
- جدول ۶-۳- رتبه‌بندی استان‌های کشور درخصوص نسبت دانش‌آموز به معلم..... ۷۶
- جدول ۷-۳- رتبه بندی استان‌های کشور درخصوص تراکم کلاسهای ابتدایی..... ۷۷
- جدول ۸-۳- مقایسه نرخ بازماندگی از تحصیل کشورهای منطقه به تفکیک دسته‌های مختلف..... ۷۹
- جدول ۱-۴- مقایسه برخی معیارهای آموزشی بین جامعه شهری و روستایی..... ۸۵
- جدول ۲-۴- استان‌های دارای بیشترین و کمترین سهم دانش‌آموز ابتدایی..... ۸۵
- جدول ۳-۴- مقایسه نسبت دانش‌آموز به معلم بین استان‌های کشور..... ۸۶
- جدول ۴-۴- استان‌های دارای بالاترین نسبت کلاس به معلم..... ۸۶
- جدول ۵-۴- مقایسه تراکم دانش‌آموز در کلاس بین استان‌های کشور..... ۸۷
- جدول ۶-۴- رتبه‌بندی استان‌ها براساس متوسط سرانه فضای ورزشی..... ۸۸
- جدول ۷-۴- مقایسه برخی آمارهای آموزشی دانش‌آموزان پسر و دختر مقطع ابتدایی..... ۸۹

جدول ۴-۸- مقایسه نسبت بازماندگی از تحصیل دختران و پسران ابتدایی در استان‌های مختلف ۹۱

جدول ۴-۹- شهرستان‌های دارای بیشترین سهم دانش‌آموز ۹۴

جدول ۴-۱۰- مقادیر شاخص تایل برخی امکانات آموزشی ۹۵

فهرست شکل‌ها

- شکل ۱-۱- فرایندهای تأثیرگذار بر افزایش برابری جنسیتی در تحصیل دختران ۵۰
- شکل ۱-۳- میانگین سنی جمعیت به تفکیک جنس بین سالهای ۹۵-۱۳۳۵ ۶۵
- شکل ۲-۳- روند زمانی سهم گروه سنی کودکان از کل جمعیت ۶۶
- شکل ۳-۳- مقایسه سهم جمعیتی گروه سنی پسران ۱۴-۵ ساله با دختران ۶۶
- شکل ۴-۳- روند نسبت جنسی کشور طی سالهای ۹۵-۱۳۴۵ ۶۷
- شکل ۵-۳- مقایسه نسبت جنسی جمعیت با نسبت جنسی بدو تولد ۶۸
- شکل ۶-۳- سهم مهاجران از کل جمعیت در دو گروه سنی دانش‌آموزی ۶۸
- شکل ۷-۳- شکاف نرخ باسوادی مردان و زنان طی دوره ۹۵-۱۳۴۵ ۷۰
- شکل ۸-۳- مقایسه نرخ باسوادی کل جمعیت و گروه‌های سنی مختلف ۷۱
- شکل ۹-۳- تفاوت نرخ باسوادی پسران و دختران در گروه آموزشی ابتدایی و راهنمایی ۷۲
- شکل ۱۰-۳- تفاوت نرخ باسوادی زنان و مردان در رده‌های مختلف سنی ۷۲
- شکل ۱۱-۳- نسبت ثبت‌نام ابتدایی و راهنمایی طی دوره ۲۰۱۷-۱۹۹۰ ۷۳
- شکل ۱۲-۳- روند تغییرات شاخص دانش‌آموز به معلم ۷۵
- شکل ۱۳-۳- شکاف نرخ بازماندگی از تحصیل پسران و دختران ۷۹
- شکل ۱۴-۳- شکاف بازماندگی از تحصیل جوامع شهری و روستایی ۸۰
- شکل ۱۵-۳- شکاف نرخ بازماندگی از تحصیل ثروتمندترین و فقیرترین دهک جامعه در کشورهای منطقه ۸۱
- شکل ۱-۴- مقایسه شکاف جنسیتی بازماندگی از تحصیل استانها ۹۰

خلاصه طرح

- اولین اصل اساسی در زمینه آموزش، حق آموزش است به این معنا که اعضای یک جامعه حق دارند از امکانات آموزشی برخوردار شوند. اصل دوم مبتنی بر آزادی آموزش؛ به معنی آزادی انتخاب تعلیم و آموزش است
- آموزش فقر را کاهش، رشد اقتصادی را تسریع و درآمد خانوارها را افزایش می‌دهد. شانس افراد را برای دستیابی به زندگی سالم‌تر بالا می‌برد و مرگ نوزدان را کاهش می‌دهد. آموزش می‌تواند برابری جنسیتی را ارتقا ببخشد.
- براساس آمارهای جهانی، مرگ و میر نوزادان و کودکان زیر ۵ سال در میان مادران بی‌سواد یا کم‌سواد بسیار بالاتر از مادران باسواد است
- فقدان مهارت‌های اولیه و فقدان استانداردهای حداقلی تحصیل به طور معنی‌داری شانس موفقیت افراد را در بازار کار و زندگی کاهش می‌دهد. افراد کم‌سواد بیشترین ریسک حذف دائمی از بازار کار را دارند.
- در گذشته، فقدان تحصیل یا مهارت‌های حرفه‌ای مانع جدی برای پیدا کردن شغل نبود چرا که تقاضا در بازار کار با پوشش طیف وسیعی از سطوح تحصیلی مواجه بود؛ اما در جامعه دانش بنیان امروز، دسترسی به بازار کار منوط به داشتن سطح حداقلی از تحصیل یا وجود مهارت‌های حرفه‌ای است.
- دوران کودکی مهمترین مرحله توسعه زندگی فردی است که با برنامه‌ریزی برای بهره‌برداری از فرصت‌های این دوره از زندگی، دستیابی به پنجره فرصت‌ها آسانتر می‌شود. حمایت از کودکان برای شکوفا شدن پتانسیل آنها مستلزم منابع مالی و زمانی کمتری است. به همین دلیل پیشگیری از نابرابری در دوران کودکی به صرفه‌تر و کارآمدتر است تا این که آن را به سال‌های بعدی موکول کنیم.
- در کشورهای توسعه یافته، تحصیلات تا دوره ابتدایی برای تمام کودکان اعم از دختر و پسر از سن ۶ تا ۱۶ سالگی اجباری است و می‌تواند در مدارس دولتی یا مدارس خصوصی یا در منزل باشد و دولت این موضوع را نظارت می‌کند که کودکان از تحصیلات ابتدایی یا معادل آن برخوردار شوند.
- با این‌که آمارها نشان می‌دهند که در سراسر جهان، شکاف جنسیتی در آموزش و پرورش در حال کاهش است که تلاش‌های فعالان این عرصه برای آموزش زنان و دختران منعکس

- می‌کند. با این حال، کمتر از نیمی از کشورهای جهان به برابری جنسیتی در زمینه ثبت‌نام کودکان در دوره دبستان و دبیرستان دست یافته‌اند.
- از آنجا که تحصیل یک حق است. بنابراین دخترانی که به مدرسه نمی‌روند و زنانی که بی‌سواد هستند از حق خود بازمانده‌اند.
 - دختران کشورهای فقیر برای کسب فرصت‌های برابر با موانعی مواجه می‌شوند و به دستاوردهای یکسان تحصیلی نائل نمی‌شوند.
 - اگرچه در بیشتر اوقات، دختران در مدرسه بهتر از پسران هستند، اما در حوزه کار و مشارکت سیاسی شرایط برابری با پسران را کسب نمی‌کنند.
 - نظریه نئوکلاسیک بیان می‌کند نابرابری درآمد پیامد سرمایه‌گذاری‌های نابرابر در سرمایه انسانی است. منظور از سرمایه انسانی، انجام سرمایه‌گذاری‌های مولد در زمینه مخارج آموزشی، برنامه‌های آموزش شغلی، و مراقبت‌های بهداشتی است
 - سرمایه‌گذاری در کیفیت تحصیل اوان کودکی بالاترین بازدهی را برای افراد، جوامع و کشورها به همراه می‌آورد. کودکانی که به برنامه‌های با کیفیت تحصیلی دسترسی دارند، عملکرد بهتری در دوران مدرسه داشته و در آینده نیز دستاوردهای تحصیلی بهتری خواهند داشت.
 - براساس نتایج مطالعات، آموزش یکی از اثربخش‌ترین انواع سرمایه‌گذاری در توسعه کشورهاست. سرمایه‌گذاری کافی در تحصیل، دستیابی به سایر اهداف توسعه را تسهیل و احتمال رشد پایدار را افزایش می‌دهد. چرا که تحصیل، سرمایه انسانی مورد نیاز رشد اقتصادی را تأمین می‌کند و سبب بهبود بهداشت، تغذیه، امید به زندگی می‌شود. کشورهای دارای شهروندان تحصیل‌کرده، دموکراتیک‌تر بوده و ثبات سیاسی بیشتری دارند. به ازای هر سال از تحصیل، تولید فردی ۴-۷ درصد رشد می‌کند و کشورهایی که موفق به بهبود نرخ باسوادی به میزان ۲۰-۳۰ درصد شده‌اند، تولید ناخالص داخلی آنها به میزان ۸-۱۶ درصد رشد کرده است.
 - سرمایه‌گذاری در آموزش می‌تواند زندگی حال و آینده مردم را بسازد. دسترسی به تحصیل یکی از راه‌های قطعی انتقال فقر از نسلی به نسل دیگر است. تحصیل حق حیاتی انسان است که در بیانیه حقوق بشر و کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل تأکید شده است. هر دختر و پسری باید حق تحصیل برابر داشته باشند تا بتوانند شانس بیشتری برای فرصت‌های اشتغال، سلامت بیشتر و نیز مشارکت در فرایندهای سیاسی در زندگی کسب کنند.
 - با این‌که تمرکز قابل ملاحظه‌ای بر بهبود دسترسی و کیفیت در مقطع ابتدایی انجام شده است، اما شواهد حاکی از آن است مقطع راهنمایی مخصوصاً برای دختران دارای بازدهی بیشتری است، به طوری که بازدهی تحصیلات راهنمایی برای دختران ۱۸ درصد و برای پسران ۱۴ درصد است.
 - از نظر سیاسی، مفاهیم نابرابری تحصیلی اساساً با فقر تحصیلی تفاوت دارند. سیاست‌های مربوط به نابرابری تحصیلی معطوف به ایجاد شرایط رقابت عادلانه برای تمام گروه‌های

اجتماعی در فرایند کسب مدارج تحصیلی است. خلق چنین شرایطی، دغدغه اصلی سیاست آموزشی است.

- نابرابری آموزشی انواع مختلفی از نابرابری را شامل می‌شود که مشهودترین آن‌ها نابرابری جنسیتی و نابرابری فضایی است. نابرابری جنسیتی، تفاوت قائل شدن بین دو جنس (دختر و پسر) برای دسترسی به فرصت‌های آموزشی است. در این حالت، مجموعه‌ای از قوانین و مقررات و دستورهای حاکم در جامعه بر پایه جنس، نابرابری را پدید می‌آورد و با جلوگیری از دسترسی به امکانات و همراهی در تصمیم‌گیری، نابرابری جنسی را استمرار می‌بخشد.
- مفهوم برابری فرصت‌های آموزشی که با داشتن آموزشی با کیفیت مطلوب و مناسب معادل است، این فرصت را برای همگان فراهم می‌کند تا به دور از هرگونه فشار و محدودیت مالی، اجتماعی، سیاسی یا فرهنگی، خود را برای مشارکت فعال و همه جانبه آماده شوند.
- رویکرد متداول برای تقسیم نابرابری بین افراد، به‌کاربردن اصول فرصت‌های برابر است. برابری فرصت‌ها به این معنی است که هر کسی فارغ از شرایطی که در آن متولد شده است، باید فرصت‌های یکسانی برای شکوفایی داشته باشد. هرچند که با وجود تضمین چنین فرصت‌هایی، در نهایت دستاوردهای آن‌ها به میزان تلاش خودشان بستگی دارد. افراد مسئول تلاش خود هستند و می‌توانند آن را کنترل کنند و بنابراین بخشی از نابرابری در دستاوردها که ناشی از تلاش است، عادلانه است و بخش دیگر منتج از اختلاف در جنسیت یا ثروت والدین، ناعادلانه است.
- موضوع نابرابری تحصیلی متمرکز بر نابرابری فرصت‌هاست، اما فقر تحصیلی بر نابرابری شرایط معطوف است. وضعیت فقر تحصیلی مستلزم مداخلات سیاست اجتماعی است.
- اصطلاح دیگری که برای افراد دارای فقر تحصیلی به‌کار می‌رود؛ «بازندگان تحصیل» یا «دانش‌آموزان در معرض خطر» است. این افراد کسانی هستند که قادر نیستند مهارت خود را با مدرک تحصیلی، فرصت‌های درآمدی یا موقعیت‌های شغلی مبادله کنند و لذا با ریسک محرومیت دائمی از بازار کار و زندگی اجتماعی مواجه هستند.
- وضعیت فقر تحصیلی سطحی از آموزش است که زیر حداقل‌های اجتماعی قرار می‌گیرد و از نظر جامعه غیرقابل پذیرش است. فقر تحصیلی ممکن است پیامد نابرابری فرصت‌ها باشد. از دیدگاه سیاست اجتماعی، در صورت وجود فقر تحصیلی، مداخله امری ضروری است.
- چچی (۱۹۹۸)، المندیگر (۱۹۸۹) فقر تحصیلی را به عنوان پدیده چند بعدی معرفی کردند. منظور از به‌کارگیری عبارت فقر تحصیلی، تأکید بر شرایط اجتماعی نامطلوبی است که افراد محروم از تحصیل با مشکلات عدیده‌ای برای مشارکت در فعالیت‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مواجه هستند.
- فقر تحصیلی کودکان به معنی فرایند محدودسازی کودکان از حق تحصیل و محدودیت فرصت‌های یادگیری و توسعه مهارت‌هایی است که پیش‌نیاز تحول سریع جوامع است.
- چچی (۱۹۹۸)، المندیگر (۱۹۸۹) بین اندازه‌های فقر تحصیلی مطلق و نسبی تمایز قائل شده‌اند فقر تحصیلی مطلق را از جنبه مقایسه بین‌المللی بررسی و ارائه کرده‌اند. مخصوصاً در

- کشورهایی که درصد نسبی جمعیتی که هیچ‌گونه تحصیل رسمی را کسب نکرده‌اند، باید فقر تحصیلی مطلق ملاک نظر قرار گیرد. در کشورهایی که مدراج تحصیلی بالا متداول است، تمرکز بر فقر تحصیلی نسبی مناسب‌تر است.
- فقر اقتصادی بر موفقیت تحصیلی کودکان تأثیر دارد؛ کارکرد آنها را در مدرسه تضعیف؛ توسعه استعدادهاى آنها را محدود و رویاهای آنها را از بین می‌برد. فقر نه تنها تأثیر منفی بر دوران کودکی دارد، بلکه آینده کودکان را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.
 - شواهد تجربی در خصوص نابرابری جنسیتی در آموزش نشان می‌دهند در سطح جهان، حدود ۸۰۰ میلیون بی‌سواد بیش از ۱۵ سال وجود دارند که ۶۴ درصد آنها زن هستند.
 - از ۱۸۰ کشوری که به دنبال برابری جنسیتی در تحصیل هستند، حدود ۷۶ کشور به برابری تعداد دختران و پسران ابتدایی نایل نشده‌اند و تقریباً نابرابری جنسیتی همواره به ضرر زنان است.
 - دختران ۵۳ درصد از ۵۸ میلیون کودکان در سن مدرسه ابتدایی را تشکیل می‌دهند که به مدرسه نمی‌روند. از تمام دختران بازمانده از تحصیل، سهم دخترانی که هرگز در مدرسه ثبت‌نام نکرده‌اند (۴۸ درصد) بیشتر سهم پسران بازمانده از تحصیل (۳۷ درصد) است. اگر روند مذکور ادامه یابد، حدود ۱۶ میلیون از دختران رده سنی ۱۱-۶ سال که در حال حاضر از تحصیل باز مانده‌اند، هرگز مدرسه را شروع نکرده و حتی یک روز در کلاس شرکت نمی‌کنند. این رقم برای پسران ۸ میلیون نفر است. این نابرابری جنسیتی در کشورهای عرب، آسیای جنوبی و غربی، و صحرای افریقا بیشتر است.
 - در سال ۲۰۱۹، حدود ۲۶۳ میلیون کودک و نوجوان (یعنی یکی از هر پنج کودک) وارد مدرسه نشده‌اند. حدود ۹ درصد کودکان سن مدرسه ابتدایی (حدود ۶ تا ۱۱ سال)، معادل ۶۳ میلیون کودک بازمانده از تحصیل است. ۶۱ میلیون نوجوان در سن راهنمایی (۱۲-۱۴ ساله) و ۱۳۹ میلیون جوان بالاتر از سن راهنمایی (۱۵-۱۷ ساله) در مدارس ثبت‌نام نکرده‌اند. این جوانان حدود ۴ برابر کودکان بازمانده از تحصیل ابتدایی و بیش از ۲ برابر کودکان بازمانده از تحصیل مقطع راهنمایی هستند. آمارهای UIS نشان می‌دهند که در صحرای افریقا، از هر سه نفر در سن تحصیل، یک نفر از تحصیل بازمانده است. در مقابل هر ۱۰۰ بازمانده از تحصیل پسر سن ابتدایی، ۱۲۳ دختر چنین سرنوشتی دارند.
 - شکاف معنی‌داری بین نرخ بازماندگی از تحصیل کشورهای ثروتمند و فقیر وجود دارد. این شکاف از سطوح ابتدایی بروز پیدا می‌کند، تقریباً تمامی کودکان در کشورهای پردرآمد امکان تحصیل دارند، اما این نسبت برای کشورهای کم درآمد حدود ۸۰ درصد است. این شکاف در سنین بالاتر بیشتر می‌شود. در کشورهای کم درآمد، ۶۰ درصد نوجوانان بالاتر از سن راهنمایی از حضور در مدرسه محروم هستند، این نسبت برای کشورهای پردرآمد فقط ۶ درصد است. ۲۶۲ میلیون نفر شامل کودکان و نوجوانان بین ۶ تا ۱۷ سال (یکی از هر ۵ کودک) مدرسه نمی‌روند. این نرخ برای کشورهای کم درآمد به یک نفر از هر ۳ کودک افزایش می‌یابد.

- در سه کشور عمان، ترکیه و ایران شکاف جنسیتی بازماندگی از تحصیل منفی است، به این معنی که نرخ بازماندگی از تحصیل پسران بیش از دختران است.
- در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ مجموعاً ۸,۲۹۳,۶۴۷ دانش‌آموز ابتدایی در ۳۱ استان مشغول به تحصیل بوده‌اند که ۶۴ درصد آنان در ۱۰ استان تمرکز یافته‌اند. استان تهران با سهم ۱۴ درصدی در جایگاه اول قرار می‌گیرد و پس از آن استان‌های خراسان رضوی (۹/۱)، خوزستان (۷)، سیستان و بلوچستان (۶)، فارس (۵/۹) و اصفهان (۵/۸) قرار دارند. کمترین سهم نیز به ۳ استان کهگیلویه و بویر احمد، سمنان و ایلام اختصاص دارد.
- شهر تهران به تنهایی بالغ بر ۸/۱۹ درصد دانش‌آموزان کشور را در خود جای می‌دهد که بیش از ۳ برابر با کرج به عنوان دومین شهر فاصله دارد.
- مطابق سرشماری سال ۱۳۴۵ کشور، حدود ۴۷/۱ درصد پسران و ۲۶/۸ درصد دختران ۶-۹ ساله باسواد بوده‌اند، در سال ۱۳۹۵ این نسبت برای هر دو جنس برابر و به بیش از ۹۵ درصد رسیده است. این تغییرات ضمن آنکه نشان‌دهنده افزایش پوشش تحصیلی جمعیت لازم‌التعلیم طی سال‌های ۹۵-۱۳۴۵ است، حکایت از حذف نابرابری جنسیتی این گروه سنی دارد.
- در تمام مقاطع زمانی از سال ۱۳۴۵، میزان سوادآموزی کودکان شهری اعم از پسران و دختران، بیشتر از کودکان روستایی است؛ مخصوصاً این شکاف در دهه‌های قبل برای دختران روستایی شدیدتر از پسران است. در سال ۱۳۹۵، ضمن آنکه نابرابری تحصیلی بین پسران و دختران در جامعه شهری کاملاً از بین رفته است، در جامعه روستایی نیز تفاوت بسیار اندک شده و تفاوت بین دو جامعه شهری و روستایی نیز کمتر شده است.
- در سال ۱۳۴۵، بیشترین تفاوت نرخ باسوادی پسران و دختران مربوط به رده سنی ۱۹-۱۵ سال است که بیش از ۳۷ درصد است؛ اما این تفاوت با گذشت زمان روند کاهشی را طی می‌کند، به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۵، رده سنی ۹-۶ سال از برابری جنسیتی در آموزش برخوردار است و بین دو گروه سنی دیگر نیز تفاوت ناچیزی وجود دارد.
- تفاوت جنسیتی نرخ باسوادی در گروه‌های مختلف سنی در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد این تفاوت در گروه‌های سنی کودکان اندک و حتی نزدیک به صفر است و با افزایش گروه سنی به تدریج شکاف آن افزوده می‌شود و از ۷ درصد در رده سنی ۴۴-۴۰ به ۲۴/۶ درصد در رده سنی ۶۵ سال و بیشتر می‌رسد.
- نسبت ثبت‌نام ابتدایی کشور براساس آمار یونیسف، به معنی تعداد ثبت‌نام‌ها (فارغ از سن) نسبت به جمعیت متناظر طی دوره ۲۰۱۷-۱۹۹۰ نشان می‌دهد به‌جز سال ۲۰۰۰ در باقی سال‌ها، این نسبت بیشتر از ۱۰۰ است که نشان‌دهنده ثبت‌نام گروه‌های سنی بالاتر در این مقطع است. نسبت ثبت‌نام راهنمایی از نسبت ۵۳/۲ در ۱۹۹۰ به ۷۸/۵ در سال ۲۰۰۰ جهش یافته است. نسبت ثبت‌نام ابتدایی همواره بیشتر از راهنمایی بوده که به نوعی نشان‌دهنده شانس کمتر ادامه تحصیل در مقطع راهنمایی است.

- در سطح کشور به طور متوسط در هر ۲۴/۷ کیلومتر مربع یک مدرسه وجود دارد. بهترین وضعیت به ترتیب مربوط به استان‌های قزوین، تهران و ایلام به ترتیب با ۳/۲، ۳/۶، ۴/۸ مدرسه در هر کیلومتر مربع است. بالاترین مقدار به استان‌های پهناور مانند کرمان و فارس به ترتیب با شاخص‌های ۲۸۸/۹ و ۸۶/۷ اختصاص دارد که با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی این استان‌ها دور از انتظار نیست.
- نرخ حضور عبارت از تعداد کل دانش‌آموزان مقطع ابتدایی به کل جمعیت گروه سنی متناظر با این مقطع تحصیلی می‌باشد در ایران، نرخ حضور کلی ۹۷ است. این نرخ برای پسران کمتر از دختران است. مخصوصاً شکاف زیادتری بین جوامع شهری و روستایی وجود دارد. به طوری که این نرخ برای جامعه شهری ۹۷ و برای جامعه روستایی ۹۵ است.
- متوسط شاخص نسبت دانش‌آموز به معلم در کشور ۳۶/۲ است. این نسبت در کشورهای اروپایی از ۱۲/۸ در بلژیک تا ۱۶/۸ در انگلستان متغیر است؛ در ترکیه به ازای هر ۱۷/۷ دانش‌آموز، یک معلم وجود دارد. این آمارها بیانگر تفاوت فاحش شاخص‌های آموزشی کشور با نسبت‌های متناظر آن در کشورهای اروپایی است.
- بهترین وضعیت نسبت دانش‌آموز به معلم، به استان ایلام با عدد ۱۸/۲ دانش‌آموز در مقابل هر معلم اختصاص دارد. استان‌های کهگیلویه و بویراحمد (۲۱/۷)، کردستان (۲۳/۵)، کرمانشاه (۲۴/۱) در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. بدترین وضعیت از نظر این شاخص مربوط به استان تهران و سپس البرز به ترتیب با رقم ۴۹/۸ و ۴۹ است.
- در سال ۱۳۹۶ تراکم دانش‌آموز در کلاس، به طور متوسط در کشور ۲۳/۶ نفر بوده است. این نسبت در کشورهای OECD به طور متوسط ۲۱ نفر است.
- اغلب استان‌ها از این نظر دارای وضعیت مطلوبی هستند و فقط شاخص ۸ استان بالاتر از میانگین کشور قرار می‌گیرد. مقدار شاخص از ۱۸/۲ در استان ایلام تا ۲۹/۳ در استان تهران (۲۹/۳) متغیر است. شاخص مذکور برای شهر تهران ۲۸/۶ و برای شهرستان‌های استان معادل ۳۰/۱ است که در واقع بیشترین تراکم در کل کشور است.
- میزان تراکم دانش‌آموزان برای پسران ۳۰/۶ و برای دختران ۳۰/۵ می‌باشد که تقریباً در وضعیت یکسانی قرار دارند.
- از نظر اندازه مدارس ابتدایی، در هر مدرسه روستایی به طور متوسط ۳ کلاس وجود دارد اما این نسبت در شهر حدود ۳ برابر است. مدارس غیردولتی تنها ۲/۲ درصد مدارس روستایی را تشکیل می‌دهند و سهم مدارس غیردولتی برای جامعه شهری ۹۷/۸ درصد است.
- مقیاس مدارس ابتدایی با توجه به تعداد کلاس‌ها، برای پسران ۸/۱۷ و برای دختران ۸/۱۴ کلاس می‌باشد که تقریباً یکسان است. سهم مدارس پسرانه از کل مدارس، ۵۱/۴ درصد است که متناسب با سهم دانش‌آموزان پسر می‌باشد.
- میانگین نسبت معلم به کلاس در کشور ۱/۵ است و مقدار آن از ۷/۹ در استان قزوین تا ۰/۵ در استان‌های خوزستان، آذربایجان شرقی و کرمان متغیر است. این میزان از انحراف بیانگر توزیع نامتناسب امکانات آموزشی در بین استان‌های کشور است.

- به طور متوسط سرانه فضای ورزشی ۰/۴۷ متر مربع است. استان‌های البرز، خراسان جنوبی و خراسان رضوی هم به لحاظ فضای روباز و هم فضای سرپوشیده از وضعیت مناسبی برخوردار هستند. به طوری که متوسط فضای ورزشی سرپوشیده استان البرز به میزان ۱۰/۲ بیش از دو برابر متوسط کشور (۴/۶) و از نظر سرانه فضای ورزشی روباز (۲۸/۷ مترمربع) بیش از ۷ برابر متوسط کشور (۳/۹) است و در جایگاه اول قرار می‌گیرد. بدترین وضعیت از نظر فضاهای روباز به استان‌های خراسان شمالی، اردبیل و کردستان با سرانه کمتر از ۱ مترمربع تعلق دارد.
- سرانه فضای ورزشی سرپوشیده در شهر ۳/۳ مترمربع و در روستا بیش از ۳ برابر و معادل ۱۰/۲ مترمربع می‌باشد. سرانه فضای روباز ورزشی روستایی به میزان ۴/۱ مترمربع است که ۱/۵ برابر سرانه شهری می‌باشد.
- شکاف گسترده‌ای بین استان‌ها از نظر سرانه فضای ورزشی وجود دارد و سرانه فضای ورزشی روباز از ۳۷/۱ در استان خراسان رضوی تا ۰/۳ در کردستان متغیر است. این شکاف در مورد فضای ورزشی سرپوشیده محدودتر است و از ۱۶/۵ خراسان رضوی به ۰/۶ متر مربع در استان ایلام می‌رسد.
- میزان بازماندگی از تحصیل کودکان روستایی ایران ۵ نفر و در شهر ۳ نفر است که شکاف ۲ نفری را نشان می‌دهد. در بین کشورهای منطقه فقط در دو کشور قزاقستان و قرقیزستان میزان بازماندگی جامعه شهری بیش از روستایی است
- تفاوت‌های بازماندگی از تحصیل بین فقیر و غنی در کشورهای مختلف بیش از تفاوت‌های جنسیتی و یا شهری و روستایی است.
- در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ تعداد بازماندگان از تحصیل پسر به میزان ۷۳۹۳۳ نفر بود و ۱,۹ درصد از جمعیت دانش‌آموزان ابتدایی را تشکیل می‌دهد که بیشتر از بازماندگان دختر معادل ۶۸۰۱۱ می‌باشد.
- نسبت بازماندگی از تحصیل دختران از ۶/۹۴ درصد دانش‌آموزان دختر در سیستان و بلوچستان تا ۰/۵۷ در استان یزد متغیر است. در خصوص پسران نیز بالاترین آمار بازماندگی از تحصیل همچنان به سیستان و بلوچستان (۶/۶۳) اختصاص دارد و استان زنجان (۰,۶۳) کمترین میزان شاخص را دارد.
- در اغلب استان‌ها، پسران بیش از دختران از تحصیل بازمانده‌اند و بیشترین شکاف مربوط به تهران و قم است.
- در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ تعداد ترک تحصیل‌کنندگان دختر ۷۲۳۱ مورد بیشتر از پسران بوده است. در این سال مجموعاً ۱۸ درصد از دانش‌آموزان ترک تحصیل کرده‌اند که سهم دختران به میزان ۰/۳ بالاتر از پسران بوده است. تعداد دختران ترک تحصیل کرده ۴۷۴۹۷ نفر و برای پسران معادل ۴۰۲۶۶ نفر بوده است. لیکن این شکاف در روستا بسیار گسترده و چشمگیر است، بطوری‌که تعداد ترک تحصیل‌کنندگان به میزان ۴۳۱۷۷ نفر است که ۲/۵ برابر پسران است. هرچندکه بخشی از این شکاف فرهنگی است، اما یک دلیل عمده آن، فقدان

- امکانات آموزشی برای ادامه تحصیل در مقطع تحصیلی بالاتر است. غالباً ادامه تحصیل در مقطع تحصیلی بالاتر مستلزم ثبت نام در مدارس روستاهای همجوار است که برای دختران دشوارتر است و موجب صرف نظر خانواده‌ها از ادامه تحصیل فرزندان دختر می‌شود.
- چنانچه آمار بازماندگان از تحصیل و آمار ترک تحصیل‌کنندگان در سن ابتدایی را به تفکیک دختر و پسر در کنار هم قرار دهیم، به نظر نمی‌رسد منتج به نابرابری جنسیتی شود و این آمارها بین دو جنس موازنه می‌شوند.
 - در این مطالعه از شاخص تایل برای اندازه‌گیری نابرابری تحصیلی کودکان مقطع ابتدایی استفاده شده است. شاخص تایل معیاری برای اندازه‌گیری نابرابری است که از مبنای نظری محکمی برخوردار است و اصول دالتون را نقض نمی‌کند، ضمن این‌که از دقت بالایی برخوردار است. شاخص تایل به تمامی گروه‌های جامعه هدف وزن یکسانی می‌دهد و برای ارزیابی تغییرات توزیع در کل جامعه مزیت دارد.
 - مقایسه آموزش در جوامع شهری و روستایی به نتیجه‌ای که بیانگر برتری دانش‌آموزان شهری نسبت به روستایی حاصل نشد. البته در خصوص این نتیجه باید دو نکته را در نظر داشت، اول این‌که این مقایسه در مقطع ابتدایی بررسی شده است و بیشتر روستاهای کشور از مدارس ابتدایی برخوردارند، بالطبع در مقاطع تحصیلی بالاتر این نتیجه یکسان نخواهد بود. نکته دوم این است که این مقایسه جامع و مبتنی بر تمام امکانات و فرصت‌های موجود برای کودکان شهری نیست؛ بلکه فقط براساس تعدادی آمارهای موجود و قابل دسترس انجام شده است.
 - شکاف آموزشی بین استان‌های کشور بیشتر از شکاف موجود بین جوامع شهری و روستایی است.
 - به منظور بررسی عدالت آموزشی، با فرض این‌که امکانات آموزشی را مشتمل بر معلم، فضای ورزشی و کلاس تلقی کنیم، مقدار شاخص تایل برای توزیع امکانات مذکور بین شهرستان‌های کشور محاسبه گردید که نشان از نابرابری شدید ندارد.
 - از نظر توزیع کلاس بین دختران و پسران شاخص قایل نشان می‌دهد دختران در وضعیت مطلوب‌تری نسبت به پسران قرار دارند، هر چند که تفاوت توزیع کلاس دختران و پسران شکاف چشمگیری ندارد.
 - مقادیر شاخص تایل نشان می‌دهد توزیع معلمان از وضعیت توزیع کلاس‌ها بهتر است، هر چند که برخلاف انتظار، معلمان مرد با شاخص ۰/۱۶۷ توزیع بهتری از معلمان زن (۰/۲۷۵) دارد. البته از آنجا که در مقطع ابتدایی، محدودیت جنسیتی برای تدریس معلمان زن و مرد وجود ندارد، و معلمان زن مسئولیت آموزش دانش‌آموزان پسر را نیز به عهده دارند، چندان نمی‌توان به شکاف موجود شاخص توزیع تکیه کرد. در واقع، سهم عمده معلمان ابتدایی را معلمان زن تشکیل می‌دهد به طوری که تعداد معلمان زن با ۱۶۹,۴۷۳ نفر بیش از ۲ برابر معلمان مقطع ابتدایی مرد است.

- آمار فضای ورزشی به تفکیک جنسیت قابل دسترس نبود، لیکن مقدار شاخص تایل برای توزیع فضای ورزشی بین شهرستان‌های کشور به میزان ۰/۳۳۸، توزیع مطلوب فضای ورزشی را تصویر می‌کند.